

اعلامیه مطبوعاتی

با سفر ترامپ، آتش بر جان غزه افتاد و سکوت بر لب حکام!

(ترجمه)

بار دیگر غزه در شعله‌های آتش می‌سوزد. قتل و کشتار به طرز وحشیانه‌ای شدت یافته است. مردم شمال غزه آواره شده‌اند؛ صدای انفجار و شعله‌های حریق در همه جا پیچیده و زمین بر آنان با همهی وسعتش تنگ شده است؛ آن‌چنان که از اعماق دل فریاد می‌زنند: «کجا برویم؟!»

آزادسازی اسیر یهودی، عیدان الکساندر، که با وساطت قطر و به دستور مستقیم آمریکا صورت گرفت، نیز سودی برای غزه نداشت. وزیر خارجه قطر این اقدام را «دستاوردی» خواند که آن را به ارباب خود، ترامپ، تقدیم کردند؛ آن هم بر فراز تریلیون‌هایی که از اموال مسلمانان غارت کرده است. اما مردم غزه از این «دستاورد» چیزی جز چند ساعت سکوت موقت در زمان تحویل اسیر دیدند و پس از آن، بهایش را چندین برابر با خون و آتش پرداختند.

نشست‌های ترامپ و قله‌ی خفتی که با حضور حکام بی‌خرد برپا شد، نه به نفع غزه بود و نه حتی به یادش. غزه حتی در حاشیه هم ذکر نشد و اگر هم شد، یادآوری آن بیش از آن‌که جدی باشد، نشانی از فراموشی داشت. آنان غرق در مستی تجلیل از کسی بودند که دارای‌هاشان را غارت کرده و کرامت‌شان را به خاک مالیده بود. ضیافت‌ها برپا کردند، هدایای طلایی پیشکش نمودند و برای جلب محبت او با هم رقابت نمودند. همهی این‌ها در حالی بود که جمجمه‌های خردشده‌ی کودکان و خون‌های روان‌شده‌ی بی‌گناهان غزه، زیر پاهای‌شان فریاد می‌زدند.

ترامپ، آن‌که وعده داد به غزه اندکی غذا خواهد داد، نه تنها وفا نکرد، بلکه همین وعده‌اش نیز چون صدقه‌ای تحقیرآمیز بود. غذایی نداد، اما سلاحش رسید؛ بمب‌هایش بارید و مرگ را صبح و شام برای مردم غزه به ارمغان آورد. درحالی‌که میلیاردها دالر از اموال مسلمانان را به غارت برد، با لبخندی بر لب، بر حماقت حکام این سرزمین مهر تأیید زد.

اما فاجعه تنها به ترامپ ختم نمی‌شود. حکامی که به قعر سفاهت فرو افتاده‌اند، یکی پس از دیگری، به دنبال رضایت آمریکا، حتی با تقدیم سرزمین و ثروت‌هایشان، می‌شتابند. کار به جایی رسیده که پیش از آن‌که آمریکا دستوری دهد، خودشان پیش‌قدم در واگذاری منابع و خاک کشورشان هستند؛ همان‌گونه که احمد الشرع، در اقدامی خفت‌بار، از ترامپ دعوت کرد تا در نفت سوریه سرمایه‌گذاری کند!

نه ترامپ و نه این حکام ذلیل، هرگز نجات‌بخش غزه نخواهند بود. آن‌ها نه درد را احساس می‌کنند، نه فریاد را می‌شنوند و نه فاجعه را می‌بینند. کر، کور و بی‌احساس، به قتل‌عام مردم غزه شادتر از یهود به نظر می‌رسند. گویی به یهود پیام می‌دهند: «بکشیدشان، گرسنه‌شان کنید، بسوزانیدشان!» دشمنی این حکام با مردم غزه، با مسلمانان و با اسلام، از یهود هم بیشتر است. خودشان بودند که محاصره را کامل کردند و یهود را در جنایات‌شان یاری دادند؛ نه چون هم‌درد که چون شریک میدان نبرد!

امید بستن به غرب یا شرق، یا به حکام ذلیل برای نجات غزه، همانند آن است که در آتش به دنبال آب بگردی! بدترین‌شان آن‌هایی‌اند که به جای یاری مجاهدان، خواهان خلع سلاح آنان و تحویل بی‌قید و شرطشان به دشمن‌اند؛ تا یهود بتواند آنان را چون لقمه‌ای آسان و بی‌مانع ببلعد؛ لقمه‌ای که گلوگیر هم نباشد! آری، اینک آمریکا و همراهانش از حکام، می‌کوشند آن‌چه را یهود با جنگ و خونریزی نتوانسته به دست آورد، با صلح و نیرنگ برایش محقق سازند.

حال غزه به مرحله‌ای رسیده که دیگر تحمل هیچ تأخیر یا تردیدی را ندارد. اگر امت، با همه ارکانش -عالمات و عوام، احزاب و حرکات، نیروها و نخبگان- با تمام توان و نیروی هماهنگ و هدفمند خود به پا نخیزد، اگر از گردن‌بستگی به حکام عبور نکند و تاج و تخت آنان را لگدمال نسازد و لشکرهایش را برای یاری برادران و خواهران خود به حرکت درنیآورد، بی‌تردید، بار سنگین این خیانت در روز قیامت بر دوش همگان خواهد بود. غزه امروز فریاد می‌زند: یا ما را دریابید، یا بگذارید جان دهیم با عزت!

غزه را نجات نمی‌دهد؛ مگر دستانی وضودار، دل‌هایی خالص که از هر نیرویی جز نیروی الله سبحانه و تعالی تبری بجویند، دنیا و زخارف آن را به پشت سر اندازند و با صدای بلند ندا دهند:

"حی علی الجهاد!"

"حیّ علی نصرة أهل غزة!"

"حیّ علی تدمير ما علا يهود"

"حیّ علی وعد الله سبحانه!"

دستانی چون دستان آن مردان پاک که الله در وصفشان فرمود:

(أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ) [مائده: 54]

ترجمه: نسبت به مؤمنان نرم و فروتن بوده و در برابر کافران سخت و نیرومندند. در راه الله جهاد می کنند و به تلاش می ایستند و از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای (در اطاعت از فرمان الله) هراسی به خود راه نمی دهند.
دفتر مطبوعاتی حزب التحریر – ولایة فلسطین